قهرمانی که در آتش جاماند

مربی فداکار هنگام نجات شاگردانش دچار سوختگی و آسمانی شد

لیلا حسین زاده
گروه حوادث

خبر کوتاه بود: «علیرضا حاتمی، کشتی‌گیر و مدال‌آور جهانی اهل آمل بر اثر انفجار گاز جانش را از دست داد.» اما پشت این ماجرای یک خطی، جانفشانی و سهل‌انگاری ای بود که هرگز در مورد آن صحبت نشد. او در حالی آسمانی شد که امکان خروج سریع از باشگاه را داشت، ولی در برابر مصدومیت شاگردانش بی‌تفاوت نماند. چند تن از آنها را نجات داد، اما خود و نوجوان دیگری، ابوالفضل کرم‌زاده، بر اثر سوختگی شدید جان باختند. پنج ماه از حادثه می‌گذرد و با شکایت خانواده این ورزشکار، پرونده در دست رسیدگی است.

به گفته دایی این کشتی‌گیر، هنوز جلسه دادگاهی در این رابطه تشکیل نشده است. برخی مدعی بودند این حادثه مرگبار به‌دلیل ناایمن بودن تأسیسات گازرسانی باشگاه رخ داده اما براساس گزارش سازمان آتش‌نشانی این شهر، هیچ نقصی در سیستم برق‌رسانی و تأسیسات گازرسانی باشگاه مانند انتشار گاز شهری از انشعاب متصل به بخاری و دیگر وسایل گازسوز در محیط باشگاه ورزشی وجود نداشت.

اواخر دی ماه وقوع انفجار در یک باشگاه ورزشی در آمل، اهالی را سراسیمه به منطقه کشاند. براساس گزارش رسمی آتش‌نشانی، ۱۰ نفر مصدوم شده بودند اما در این میان یک نفر بود که با وجود جراحت شدید سعی می‌کرد به سایر مصدومان کمک کند. او کسی نبود جز علیرضا حاتمی ۳۳ ساله که مدال طلای جوانان آسیا و برنز جوانان جهان را در کارنامه خود داشت.

علی دهقان، دایی علیرضا به جام‌جم می‌گوید: «روز حادثه، ساعت ۴ بعدازظهر حدود ۱۸ نفر از بچه‌ها در باشگاه مشغول تمرین با خواهرزاده‌ام بودند که متوجه انتشار بوی گاز شدند. آنها به تصور این‌که جایی در داخل باشگاه نشتی گاز دارد، شیرگاز را بستند اما همچنان بو استشمام می‌شد. وقتی در حال انتقال خواهرزاده‌ام به بیمارستان مشهد بودیم، او ماجرا را با حال نزار برایم تعریف کرد. چون باشگاه زیرزمین و طبقه منفی بود، یکی از بچه‌ها رفت تا ببیند چه خبر است. بعد از این‌که بیرون آمد، متوجه شد برخی از عوامل یک سازمان دولتی مشغول کنده‌کاری هستند. آنها گفتند لوله‌گاز شکسته و در حال تعمیر آن هستیم و سپس روی محل خاک ریختند. پس از این‌که آن پسر به داخل باشگاه برگشت، ناگهان انفجار شدیدی رخ داد. خواهرزاده‌ام می‌گفت پس از انفجار، به شدت با دیوار برخورد کردم و آینه قدی شکست، بدنم نیز آتش گرفت.





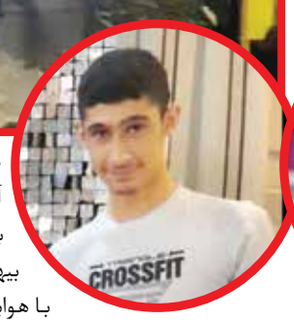



علیرضا با این‌که می‌توانست از باشگاه برود و جان خودش را نجات دهد اما برگشت تا به شاگردانش کمک کند. ریه او در اثر استنشاق دود درگیر و پشت کمرش به شدت دچار سوختگی شد. مصدومان و خواهرزاده‌ام را به بیمارستان ساری بردیم که چند روز آنجا بودند اما چهار پنج نفر از آنها وضعیت وخیمی داشتند. چهار آمبولانس همراه با پرستار و پزشک بیهوشی گرفتیم و شبانه با هواپیما به بیمارستان مشهد انتقال دادیم. مدتی آنجا بودیم و پزشک معالج گفت متأسفانه وضعیت جسمی‌اش خوب نیست و خواهرزاده‌ام صبح روز جمعه ۱۰ بهمن ماه از دنیا رفت. وقتی پدر علیرضا فوت شد، او را از بچگی بزرگ کردم و از شش سالگی هم به باشگاه خودم آمد. او را به سختی و با هزاران مشقت بزرگ کردم که بعد قهرمان آسیا و قهرمان سوم جهان شد اما نه بیمه ورزشی داشت و نه هیچ حقوق دیگری. برخی مسئولان آمدند و رفتند اما هیچ کاری نکردند. اصلا پول زیاد هم به ما بدهند، آیا خواهرزاده قهرمان من زنده می‌شود؟»

او در ادامه می‌گوید: «در حال حاضر میان دو سازمان در مورد این‌که کدام مقصر است، اختلاف وجود دارد و هرکدام تقصیر را گردن دیگری می‌اندازد. یک هیأت سه نفره از اداره گاز به محل اعزام و پس از بازدید، این موضوع را به آتش‌نشانی اعلام کرد. ما گزارش آتش‌نشانی را داریم که اعلام کرده در باشگاه هیچ مشکلی وجود نداشت و گاز باعث انفجار و سپس احتراق سالن شده است. آنها لوله اصلی گاز را شکسته‌اند که در نتیجه گاز نشتی از طریق تهویه و فاضلاب وارد سالن شده و مرگ دو نفر را رقم زده است. من همه اینها را شنیده‌ام و مدرک دارم. ما در حال حاضر و از طریق وکیل شکایت کرده‌ایم و با گذشت پنج ماه از این حادثه پرونده در حال رسیدگی است.»

مربی محبوب شاگردان

مردی که پسر ۱۲ ساله‌اش یکی از شاگردان حاتمی بود نیز به جام‌جم می‌گوید: «روزی که حادثه اتفاق افتاد، پسرم تبلت، گوشی تلفن همراه، هدفون و حتی PS5 خود را پس از تمیز کردن در کارتون خرید قرار داد و به من گفت همه اینها را بفروش و خرج مربی‌ام کن تا زنده بماند. همین حرف او باعث شد تا ۲۰ شبانه‌روز تمام تلاشم را بکنم. پسرم حتی تلفنی با پزشک معالج آقای حاتمی صحبت و به او التماس کرد که هرکاری از دستش برمی‌آید برای نجات او انجام دهد. پسرم عاشق مربی‌اش بود و او تنها ۴۰ روز بود که با ایشان آشنا شده بود. با دکتر صحبت کردم و گفتم حاضرم پوستم را اهدا کنم که دکتر گفت حداقل باید دو ماه در بیمارستان بستری شوی که من این موضوع را هم قبول کردم اما متأسفانه زنده نماند. پزشکان می‌گفتند دلیل شدت جراحات آقای حاتمی، چندبار وارد شدنش به باشگاه برای نجات مصدومان بود. پس از فوت او، پسرم روزها در مورد او صحبت می‌کند و شب‌ها هم خوابش را می‌بیند. آقای حاتمی مرد بسیار بخشنده‌ای بود. اگر کسی می‌خواست آموزش کشتی ببیند، از او هزینه‌ای دریافت نمی‌کرد و اگر هم کسی قصد بدنسازی داشت هزینه‌اش بسیار ناچیز بود.»

قتل مرد عابر به خاطر یک نگاه



پسر جوان که در پی چشم در چشم شدن با یک عابر، او را در عالم مستی کشته بود، در دادگاه کیفری از خود دفاع کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به پرونده قتل مردی ۴۰ ساله از پاییز سال گذشته و پس از گزارش وقوع یک درگیری خونین در یکی از محله‌های پردیس آغاز شد. پس از اعلام این حادثه، تیم جنایی در محل حاضر شد و تحقیقات میدانی را آغاز کرد. بررسی‌های اولیه نشان داد مقتول دقایقی پیش از حادثه با چند جوان درگیر شده بود. هرچند با وساطت و دخالت اهالی محل، درگیری خاتمه یافته و طرفین از یکدیگر جدا شده بودند اما ماجرا به همین جا ختم نشد. دقایقی بعد یکی از جوانان حاضر در نزاع دوباره به محل بازگشت و با چاقویی که همراه داشت، به مرد ۴۰ ساله حمله کرد. شدت جراحات وارده به حدی بود که قربانی جان خود را از دست داد و عامل جنایت نیز از صحنه گریخت.

در حالی‌که کارآگاهان مشغول بررسی صحنه جرم و جمع‌آوری سرنخ‌ها بودند، مأموران پلیس راهور در یکی از آزادراه‌های حاشیه شهر به راننده یک خودرو که حرکات خطرناک و غیرعادی داشت، مشکوک شدند. مأموران برای جلوگیری از بروز حادثه، خودرو را متوقف کردند. آزمایش الکل از راننده و سرنشین خودرو نشان داد هر دو در حالت مستی قرار دارند و حدود ۶۹ میلی‌گرم الکل در خون‌شان وجود دارد؛ به همین دلیل هر دو نفر بازداشت و به مقر پلیس منتقل شدند.

اما بررسی هویت راننده، راز مهمی را فاش کرد. مأموران دریافتند او همان فردی است که ساعاتی قبل به اتهام قتل مرد ۴۰ ساله تحت تعقیب قرار گرفته بود. به این ترتیب متهم برای ادامه تحقیقات در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. متهم در بازجویی‌ها مدعی شد: «آن روز با دوستانم مشروب خورده بودم و حال خوبی نداشتم. ابتدا به خاطر چشم در چشم شدن با مقتول درگیر شدم. بعد به خانه رفتم و دیگر نمی‌دانم چه شد که آن مرد کشته شد.» با این حال، تصاویر دوربین‌های مداربسته روایت دیگری از ماجرا را نشان داد. بررسی فیلم‌ها حکایت از آن داشت که متهم پس از پایان درگیری اولیه به خانه رفته، یک چاقو برداشته، دمپایی خود را با کفش عوض کرده و بار دیگر به محل درگیری بازگشته است. او سپس با حمله به مقتول، ضربه مرگبار را وارد کرده و از محل گریخته بود.

پس از تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست، پرونده برای رسیدگی به شعبه سیزدهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در جلسه محاکمه، اولیای‌دم با حضور در دادگاه خواستار قصاص متهم شدند. سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و بار دیگر با تکرار ادعای قبلی خود گفت: «از زمان وقوع قتل چیزی به یاد ندارم. مست بودم و کنترلی بر رفتارم نداشتم. وقتی بازداشت شدم، تازه در جریان قرار گرفتم که به اتهام قتل دستگیر شده‌ام.»

در ادامه، رئیس دادگاه خطاب به متهم گفت: «میزان الکل موجود در خون تو به اندازه‌ای نبوده که به‌طور کامل کنترل رفتارت را از دست بدهی.»

متهم نیز در پاسخ اظهار کرد: «حال مساعدی نداشتم و مقدار زیادی مشروب مصرف کرده بودم.»

پس از پایان دفاعیات متهم و وکیل مدافع او، قضات دادگاه برای صدور رأی وارد شور شدند.

سوزاندن پدر با اسید دست‌ساز



مرد ۴۰ ساله در جریان مشاجره خانوادگی پدرش را با اسید دست‌ساز سوزاند. پدر خانواده بعد از ۱۰ روز جدال با مرگ تسلیم شد. متهم در حالی بازداشت شده که خانواده‌اش می‌گویند وی بیماری روحی دارد و قرار شده پزشکی قانونی درباره سلامت روانی او تصمیم‌گیری کند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۱۶ هفدهم خرداد یکی از مأموران کلانتری کوی نصر تلفنی به بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران اطلاع داد مردی ۷۵ ساله به طور مشکوکی در بیمارستان فوت کرده است. با دستور قضایی تیمی از مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای بررسی ماجرا به بیمارستان اعزام شدند.

معلوم شد مرد سالخورده از ۱۰ روز قبل دچار حادثه سوختگی شده و از سوی خانواده‌اش به بیمارستان منتقل شده بود. همچنین مشخص شد این اتفاق مرگبار در پی درگیری با پسر ۴۰ ساله خانواده برایش رخ داده است. یکی از فرزندان مقتول در اظهاراتش گفت: برادرمان مجرد است. او سال‌ها بود از بیماری روحی رنج می‌برد و تحت درمان بود و دارو مصرف می‌کرد. همیشه با اعضای خانواده مشاجره و دعوا داشت. در خانه سعی می‌کردیم شرایط را به گونه‌ای رقم بزنیم که او آرام باشد اما حال و روزش خوب نبود. شب حادثه که خواهرم و بقیه اعضای خانواده نیز در خانه بودند، برادرم یکدفعه پدرم را نگاه کرد و همین باعث شد دوباره دعوایشان شود. سعی کردیم آن دو را آرام کنیم اما برادرم که نمی‌توانست بر اعصابش مسلط شود با او دوباره به مشاجره لفظی پرداخت. برادرم به اتاق دیگری رفت و پس از زمان کوتاهی با یک بطری به سمت پدرمان حمله‌ور شد و محتوای آن را روی سر و صورت او پاشید. بعد صدای سوختم سوختم پدرم بالا رفت. مایع داخل بطری حتی به داخل دهانش هم ریخته بود. به سختی توانستیم او را از پدرمان دور کنیم. پدرم که دچار سوختگی شده بود را به بیمارستان منتقل کردیم. پدرمان ۱۰ شبانه روز در آنجا بستری بود. فکر نمی‌کردیم پدرمان فوت کند. بنابراین موضوع را به پلیس خبر ندادیم تا این که فوت شد و حالا از برادرمان شکایت داریم.

به این ترتیب مرد ۴۰ ساله به اتهام قتل پدرش بازداشت شد و در تشریح ماجرا گفت: حال روحی خوبی ندارم. چند مرتبه در مراکز درمانی بستری شدم و تحت درمان بودم. مدام حال و روزم بدتر می‌شد و با پدرم و اعضای خانواده دعوا و مشاجره داشتم. این اواخر دعوا و درگیری‌های‌مان بیشتر شده بود. آن شب که دوباره دعوا کردیم از دستش عصبانی شدم، به اتاقم رفتم و مایع شوینده و جوهرنمک را با هم مخلوط کردم و روی سر و صورتش ریختم که کمی هم داخل دهانش ریخت. فکر می‌کردم با این کار پدرم ساکت می‌شود و دیگر با من دعوا نمی‌کند و حالش خوب می‌شود اما او فوت کرد.

محسن اختیاری، بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: متهم به قتل در بازداشت به سر می‌برد. هر چند خانواده‌اش اعلام کرده‌اند او دچار بیماری روحی است اما قرار شد کارشناسان پزشکی قانونی وضعیت سلامت روانی وی را بررسی کنند تا اگر او بیمار روانی است در مرکز روانی بستری شود.

کوتاه از حوادث

تصادف مرگبار در دعوای خانوادگی

مشاجره خانوادگی پشت فرمان جان پدر و مادر را در جاده گرفت.

سردار احمد کرمی اسد، رئیس پلیس راه راهور فراجا به ایسنا گفت: یک دستگاه خودروی سواری که سرنشینان آن اعضای یک خانواده بودند در یکی از آزادراه‌های منتهی به کاشان، دچار سانحه‌ای مرگبار شد؛ در جریان تحقیقات بعدی معلوم شد در طول مسیر میان راننده خودرو و همسرش که در صندلی جلو حضور داشته، مشاجره‌ای شکل گرفته است.

وی افزود: در ادامه و در اوج تنش ایجاد شده، سرنشین خودرو اقدام به گرفتن فرمان می‌کند و همین موضوع موجب می‌شود راننده کنترل وسیله نقلیه را از دست بدهد. خودرو پس از انحراف از مسیر، واژگون شده و روی سقف متوقف می‌شود. این زن و شوهر در صحنه تصادف فوت کردند. دو فرزند دو و هشت ساله‌شان اما زنده ماندند.

راز گشایی از قتل شوهر

زنی که با همدستی سه نفر دیگر همسر خود را دو سال قبل به قتل رسانده بود، بازداشت شد.

به گزارش خبرگزاری صداوسیما مرکز یزد، سردار احمد نگهبان، فرمانده انتظامی استان یزد گفت: درپی دریافت پرونده فقدانی مردی ۵۰ ساله از یکی از استان‌های غربی کشور، تحقیقات پلیسی در این باره آغاز شد و در ادامه با تلاش شبانه‌روزی کارآگاهان پلیس، فرضیه وقوع یک جنایت خانوادگی قوت گرفت. وی افزود: ماموران سرانجام به همسر مرد ۵۰ ساله مظنون شده و او را مورد بازجویی قرار دادند. وی به ضدونقیض‌گویی پرداخت تا این‌که سرانجام به قتل شوهرش با همدستی پدر و مادر خود و فرد دیگری اعتراف کرد. بلافاصله با اخذ مجوز قضایی، مظنونین دیگر این پرونده نیز دستگیر و به قتل و سوزندان جسد مقتول با انگیزه اختلافات خانوادگی اعتراف کردند. بقیه متهمان نیز بازداشت شدند.

پایان فرار قاتل ۲۰ ساله

پسر ۲۰ ساله افغان که درپی اختلاف‌های قدیمی هموطن خود را به قتل رسانده بود، بازداشت شد.

سیدرحمان هاشمی، فرمانده انتظامی داراب به سایت پلیس گفت: درپی اعلام وقوع درگیری منجر به جرح در یکی از باغات منطقه کوهستانی داراب و انتقال مصدوم به بیمارستان، تحقیقات پلیسی آغاز شد. در ادامه تحقیقات، ماموران با حضور در بیمارستان پی بردند مرد ۳۰ ساله تبعه افغانستان که از چند ناحیه دچار شکستگی و کبودی و جراحت با چاقو شده بود، به دلیل شدت صدمات فوت کرده است. در ادامه تحقیقات پلیسی، رد قاتل ۲۰ ساله که هموطن او بود به دست آمد. متهم تحت تعقیب بود که مخفیگاهش در یکی از باغات بخش رستاق به دست آمد و در آنجا بازداشت شد. متهم اعتراف کرد انگیزه‌اش از این جنایت، اختلاف‌های قدیمی با مقتول بوده است.

دعوای همسایه‌ها جان مهمان را گرفت

مردی در جریان درگیری با برادر و خواهر همسایه‌اش، به سمت مهمانان آنها شلیک کرده و یکی را کشت و دیگری را زخمی کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، آخر شب بیستم فروردین، زنی با پلیس ۱۱۰ تهران و اورژانس تماس گرفت و اطلاع داد در ساختمانی در محله جشنواره تهرانپارس تیراندازی رخ داده است. ماموران و نیروهای اورژانس پس از حضور در محل، دو مرد زخمی را یافتند و به بیمارستان منتقل کردند، اما بامداد روز بعد یکی از آنها که ۳۵ سال داشت و از ناحیه پا هدف گلوله قرار گرفته بود، جان باخت، ولی نفر دوم زنده ماند و در اظهاراتش به پلیس گفت: پسرخاله‌ام مدتی در یک سفره‌خانه کار می‌کرد و همان جا با خواهر و برادری که از مشتریان آنجا بودند، آشنا شد. آنها دنبال کارهای انحصاروراثت بودند که پسرخاله‌ام کارهای اداری‌شان را انجام داد. شب حادثه برای دریافت دستمزدش با او و دوست دیگرمان آنجا رفتیم .خواستیم با موتور از پارکینگ برویم که در بسته بود. تلفنی به خانم میزبان گفتیم که ریموت را بزند و در را باز کند. بعد مرد چاقو به دستی آمد و برای‌مان خط ونشان کشید و فرار کرد. پسرخاله‌ام دنبالش رفت تا بفهمد چرا این کار را انجام داده که مقابل خانه‌اش رسید. صاحبخانه با سلاح وینچستر به پای پسرخاله‌ام شلیک کرد.

رفتم نجاتش دهم که به شکم خودم هم شلیک کرد. دیگرهمراه‌مان وزن میزبان وارد خانه همسایه شدند که متهم تیرهای بعدی را شلیک کرد و پس از آن فرار کرد .ماموران از زن همسایه تحقیق کردند که در اظهاراتش گفت: مقتول و همراهانش درحال خروج از ساختمان بودند که همسایه‌ای که با ما اختلاف و درگیری داشت مانع آنها شده و این جنایت را رقم زد . این درحالی بود که شاهد دیگر پرونده هم گفته‌های آنها را تایید کرد. چندی قبل وقتی قاتل همه راه‌های فرار را روی خود بسته دید تسلیم پلیس شد. متهم به اداره دهم پلیس آگاهی تهران منتقل شد و به تناقض‌گویی پرداخت تا این‌که دیروز اعتراف کرد و گفت: من با خواهر و برادری که همسایه‌مان بودند بر سر مسائل مختلف ،دعوای‌مان شده بود. آن شب سه مرد جوان را دیدم ،گمان بردم آنها خفت‌گیر هستند که با موتورسیکلت آمدند و اجیرشده آن زن و مردهستند. چاقو را برداشتم و سراغ‌شان رفتم و تهدیدشان کردم. دنبالم آمدند، فرار کردم و به خانه‌ام رفتم.

وی افزود: ترسیدم به‌خاطر کینه‌ای که از آن خواهر و برادر داشتم بلایی سرم بیاورند. سلاح وینچسترم را برداشتم، در که باز شد به دو نفرشان شلیک کردم .

در ادامه زن همسایه با مرد غریبه‌ای آمدند تا سلاحم را بگیرند که تیرهای بعدی شلیک شد. حالا فهمیدم خفت‌گیر نبودند و مهمانان همان همسایه بودند .

سرهنگ مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی پایتخت با تایید این خبر به جام جم گفت: تحقیقات از متهم به قتل ادامه دارد. مادر مقتول از طرف خود و نوه خردسالش برای قاتل در مرجع قضایی درخواست قصاص کرده است.

بانک ملت
bank mellat

آگهی تمدید مناقصه عمومی
شماره ۱۴۰۴/۱۵۷

الف: مناقصه‌گزار: بانک ملت
ب: موضوع مناقصه: خرید، حمل، نصب و راه‌اندازی، گارانتی و پشتیبانی تعداد ۱۰۰ دستگاه کیوسک صدور کارت
ج: تضامین لازم برای شرکت در مناقصه: ضمانت‌نامه بانکی بدون قید و شرط شرکت در مناقصه (غیر از بانک ملت) و یا ارائه چک بانکی/بین بانکی غیر از چک عادی مشتریان به مبلغ ۳۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال یا فیش واریز نقدی مبلغ فوق به‌حساب جاری جام به‌شماره ۲۰۲۴۰۱۳۵۹۵ به شناسه واریز ۱۴۰۴۱۷۵۰۰۱۰۱۵۷۱۶۱ (قابل پرداخت درکلیه شعب بانک ملت)
د: مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد مناقصه: ارائه معرفی‌نامه و فیش واریز مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال به‌حساب جاری جام شماره ۲۰۲۴۰۱۰۲۶۵ با شناسه ۱۴۰۴۱۷۵۰۰۱۰۱۵۷۲۵۰ قابل پرداخت درکلیه شعب بانک ملت.
هـ: محل دریافت اسناد مناقصه: تهران - خیابان طالقانی - مقابل ساختمان وزارت نفت- ساختمان شماره ۳۸۰ - طبقه ششم - واحد معاملات و قراردادها.
شماره تماس: ۰۲۱-۶۴۸۲۱۳۹۷ / ۰۲۱-۶۴۸۲۱۰۵۰

جدول زمانی انجام مناقصه

آغاز توزیع اسناد مناقصه	ساعت ۰۸:۰۰ صبح مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۹
مهلت ارسال مدارک مناقصه	تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۴
تاریخ بازگشایی پاکت‌ها	رأس ساعت ۰۸:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۵

اداره کل تدارکات- واحد معاملات و قراردادها

بانک ملت
bank mellat

آگهی مناقصه عمومی
شماره ۱۴۰۵/۱۰۴

الف: مناقصه‌گزار: بانک ملت
ب: موضوع مناقصه: ارسال انبوه ۵۰ درصد پیامک‌های بانک از تمامی اپراتورهای فعال کشور
ج: تضامین لازم برای شرکت در مناقصه: ضمانت‌نامه بانکی بدون قید و شرط شرکت در مناقصه (غیر از بانک ملت) و یا ارائه چک بانکی/بین بانکی غیر از چک عادی مشتریان به مبلغ ۲۸۲,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال یا فیش واریز نقدی مبلغ فوق به‌حساب جاری جام به‌شماره ۲۰۲۴۰۱۳۵۹۵ به شناسه واریز ۱۴۰۵۱۷۵۰۰۱۰۱۰۴۱۱۳ (قابل پرداخت درکلیه شعب بانک ملت)
د: مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد مناقصه: ارائه معرفی‌نامه و فیش واریز مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال به‌حساب جاری جام شماره ۲۰۲۴۰۱۰۲۶۵ با شناسه ۱۴۰۵۱۷۵۰۰۱۰۱۰۴۲۰۲ قابل پرداخت درکلیه شعب بانک ملت.
هـ: محل دریافت اسناد مناقصه: تهران - خیابان طالقانی - مقابل ساختمان وزارت نفت- ساختمان شماره ۳۸۰ - طبقه ششم - واحد معاملات و قراردادها.
شماره تماس: ۰۲۱-۶۴۸۲۱۳۹۷ / ۰۲۱-۶۴۸۲۱۰۵۰

جدول زمانی انجام مناقصه

آغاز توزیع اسناد مناقصه	ساعت ۰۸:۰۰ صبح مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۹
مهلت ارسال مدارک مناقصه	تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۳۱
تاریخ بازگشایی پاکت‌ها	رأس ساعت ۰۸:۱۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

اداره کل تدارکات- واحد معاملات و قراردادها